

(فصل بیست و یکم)

حفاظت کلیسایتان

" برای حفظ آن وحدتی که روح القدس بوجود می آورد و با رشته های صلح و صفا به هم پیوسته می شود نهایت کوشش خود را بکنید. "(افسیان 3:4 ترجمه انجیل شریف)
" مهم تر از همه، بگذارید محبت هادی زندگی شما باشد، زیرا محبت عامل همبستگی کامل مسیحیان است. "(کولسیان 14:3)

وظیفه شما، حفظ اتحاد و یگانگی کلیسایتان می باشد.
در عهد جدید، موضوع یگانگی در کلیسا به اندازه ای مهم است که به آن، بیشتر از بهشت و جهنم، توجه شده است. خدا عمیقاً مشتاق این است که ماهمانگی و اتحاد را با یکدیگر تجربه کنیم.
یگانگی، جان مشارکت است. اگر آن را خراب کردی، قلب بدن مسیح را خواهی شکافت. اتحاد و یگانگی جوهر و مغز نقشه خداست که، چگونه زندگی را با یکدیگر، در کلیسایش بجشیم. عالی ترین سرمشق ما برای اتحاد، تثلیث اقدس می باشد. پدر، پسر و روح القدس مانند یک شخص با یکدیگر کاملاً متحد هستند. خدا، خودش، نمونه محبت فداکارانه، به فکر دیگران در فروتنی و هماهنگی کامل می باشد.
مانند هر پدر و مادری، پدر آسمانی ما از تماشای اینکه فرزندان با یکدیگر تفاهم دارند، لذت می برد. عیسی مسیح، در آخرین لحظات زندگی خود، قبل از دستگیری اش، با شور و حرارت زیاد، برای اتحاد ما دعا کرد (یوحنا 17:20-23). در طول آن ساعات عذاب آور، اتحاد و یگانگی ما بالاترین چیزی بود، که در فکرش قرار داشت و این نشاندهنده اهمیت موضوع می باشد.

هیچ چیز بر زمین، به اندازه کلیسا برای خدا با ارزش نیست. او گرانتترین بها را برای آن پرداخت و می خواهد آن را مخصوصاً از خرابی ویران کننده ای که با جدایی، ناسازگاری و عدم هم آهنگی بوجود می آید، حفظ کند. اگر شما در خانواده خدا هستید، این مسئولیت شما است که در هر جایی که مشارکت دارید، اتحاد و یگانگی آن را حفظ کنید. عیسی مسیح به شما مأموریت داده تا آنچه در توانتان دارید برای حفظ اتحاد و نگهداری مشارکت و رواج دادن هماهنگی، در خانواده کلیسایتان و نیز در میان همه ایمانداران، انجام دهید. کتاب مقدس می فرماید: "به سعی تمام بکوشید تا آن یگانگی را که از روح است، به مدد رشته صلح حفظ کنید." (افسیان 3:4) ما چگونه می توانیم این کار را عملی سازیم؟ برای پاسخ به این سؤال کتاب مقدس به ما مشورت عملی می دهد.

به آنچه در همه ما مشترک است متمرکز شو و نه بر تفاوتها. پولس به ما می گوید: "پس هدف شما این باشد که با سایر ایمانداران در صلح و صفا بسر ببرید تا باعث تقویت ایمانشان گردید." (رومیان 14:19) ما بعنوان ایمانداران، یک خداوند، یک بدن، یک هدف، یک پدر، یک روح، یک امید، یک ایمان، یک تعמיד و یک محبت را دنبال می کنیم (رومیان 12:10؛ 12:12؛ 5:4-5؛ اول قرنتیان 10:1؛ 6:8؛ 13:12؛ افسسیان 4:4؛ 5:5؛ فیلیپیان 2:2). ما یک نجات و یک زندگی و یک آینده را با یکدیگر تجربه می کنیم- عواملی که خیلی بیشتر از هر تفاوتی که می توانیم به شمار آوریم، مهم هستند. اینها و نه اختلافات شخصی ما، می باید نقطه تمرکز ما باشند.

ما می باید به یاد داشته باشیم که این خود خدا بود که تصمیم گرفت به هر یک از ما شخصیتها، زمینه ها، نژادها و سلیقه های متفاوت ببخشد تا ما به این تفاوت ها ارزش بدهیم و از آنها لذت ببریم و نه این که فقط تحمل کنیم. خدا اتحاد می خواهد و نه یک شکلی. اما بخاطر اتحاد، نباید بگذاریم که تفاوتها، ما را از یکدیگر جدا سازند. ما باید روی آن چیزی که بیشتر اهمیت دارد تأکید بگذاریم و آن این است که یکدیگر را چنانکه مسیح ما را محبت نمود، دوست داشته باشیم و پنج هدفی را که خدا برای هر یک از ما و کلیسایش دارد، جامه عمل بپوشانیم.

دعوا و کشمکش معمولاً نشانه این است که نگاه ما به مسائل کم اهمیت دوخته شده است، چیزهایی که کتاب مقدس آن را "**مسائل بیهوده**" (دوم تیموتاؤس 2:23) می نامد. وقتی نگاهمان را به سوی شخصیتها، سلیقه ها، تعبیرها و تفسیرها، سبک ها و روشها بر می گردانیم، جدایی اجتناب ناپذیر است. اما اگر بر محبت یکدیگر و عملی ساختن اهداف خدا متمرکز شویم، نتیجه هماهنگی و یکدلی می شود. پولس برای این مسئله التماس کرد که: "اما ای برادران عزیز، به نام خداوند ما عیسی مسیح به شما التماس می کنم که از بحث و جدل دست برداشته، بکوشید با یکدیگر یکدل و یک زبان باشید

تا در میان شما جدایی و شکاف پیش نیاید. خواهش می کنم که در فکر و هدف متحد باشید." (اول قرنتیان 10:1)

در توقعات خود، واقع بین باشید. از زمانی که قصد خدا را از اینکه یک مشارکت واقعی چه چیزی باید باشد، کشف می کنید، به راحتی می توانید با مشاهده شکاف بین ایده آل و واقعیت در کلیسایتان، مأیوس و ناامید شوید. با وجود تمام نقص های کلیسا می باید با غیرت آن را دوست داشته باشیم. در آرزوی ایده آل بودن در حالیکه واقعیت را سرزنش

می کنیم، نشانه عدم رشد است. از طرف دیگر در جا زدن در واقعیت بدون تلاش برای ایده آل از خود راضی بودن را نشان می دهد. رشد یعنی زندگی با تنش و بحران.

شاید ایمانداران دیگر شما را ناراحت کنند یا مأیوستان کنند، ولی این هیچ بهانه خوبی برای توقف دادن به مشارکت با آنها نیست. آنها حتی وقتی که مثل یک خانواده با شما رفتار نمی کنند، باز خانواده شما هستند و نباید آنها را رها کنی. بجای این عمل، خدا به ما می فرماید: "فروتن و مهربان باشید. نسبت به یکدیگر بردبار باشید و بسبب محبتی که به هم دارید، از خطاها و اشتباهات یکدیگر چشم پوشی نمایید." (افسیان 2:4) مردم بخاطر دلایل قابل درک بسیاری از کلیسا سرخورده می شوند. فهرست این دلایل می تواند طولانی باشد: دعوا و کشمکش، ناراحتی، ریاکاری، غفلت، کوتاه فکری و تنگ نظری، افراط در مراعات قانون، و گناهان دیگر. بجای شگفت زده شدن و سراسیمه شدن، می باید به یاد داشته باشیم که کلیسا از گناهکاران واقعی تشکیل شده، که ما یکی از آنها هستیم. ما چون گناهکاریم، گاهی عمدی و گاهی غیر عمد به یکدیگر صدمه می زنیم. اما بجای ترک کلیسا، ما می باید در کلیسا بمانیم و اگر ممکن است آن را حل کنیم. راه بوجود آمدن شخصیت قویتر و مشارکت عمیق تر آشتی و برقراری ارتباط دوباره است و نه فرار.

طلاق از کلیسایان با اولین نشانه یأس یا سرخوردگی، نشانه ای از عدم بلوغ است. خدا چیزهای زیادی دارد که می خواهد به شما و دیگران یاد دهد. به علاوه این همه، کلیسای کاملی وجود ندارد که به طرف آن فرار کنید. هر کلیسایی فهرست ضعفها و مشکلات خودش را دارد و به زودی یک بار دیگر ناامید خواهید شد. گروهی مارکس بخاطر این گفته خود که، نمی خواهد به باشگاهی متعلق باشد که به او اجازه ورود می دهد، معروف بود. اگر کلیسایی به اندازه ای کامل است که بتواند شما را راضی نگه دارد، همان کاملیت شما را از عضویت اخراج خواهد کرد، چون شما کامل نیستید!

دیتریش بونهوفر، کشیش آلمانی که به علت مقاومت با نازیها شهید شد، کتابی کلاسیک در باره مشارکت به اسم "زندگی با یکدیگر"، نوشت. در این کتاب او می نویسد بریدن امید ما از کلیسای محلی چیز خوبی است، چون این مسئله توقعات اشتباه ما از کاملیت را از بین می برد. هر چه زودتر این فریب را ترک کنیم که، یک کلیسا باید کامل باشد تا آن را دوست داشت، از ریاکاری دست خواهیم کشید و اعتراف خواهیم کرد که همه ما ناکامل و نیازمند فیض و رحمت خدا هستیم و این آغاز یک جامعه واقعی است.

هر کلیسایی باید این تابلو را جلوی درش بزند که: "احتیاج به مردم کامل نداریم. اینجا محلی است فقط برای آنانی که اعتراف می کنند گناهکارند، به رحمت نیازمند می باشند و می خواهند رشد کنند."

بونهوفر گفت: "هر کس که رؤیای خود را از جامعه بیش از خود جامعه مسیحی دوست داشته باشد، قاتل کلیسا می شود... اگر هر روز برای کلیسایی که در آن قرار گرفته ایم، حتی وقتی تجربه بسیار شگفت انگیزی وجود ندارد، ثروتهای کشف شده ندارد، بلکه ضعفها، ایمان کوچک، و مشکلات دارد، شکر نکنیم بلکه بالعکس به شکایت ادامه دهیم که هر چیز ناچیز و بیخود است، آنگاه مانع این می شویم که خدا مشارکت ما را رشد دهد."

تصمیم بگیری بجای انتقاد، تشویق کنید. این کار همیشه راحت تر است که از آنانی که خدمت می کنند ایراد بگیریم تا اینکه در کار آنها شریک شویم و سهمی داشته باشیم. خدا بارها از ما می خواهد که از یکدیگر ایراد نگیریم، یکدیگر را مقایسه و داورى نکنیم (رومیان 13:14؛ یعقوب 11:4؛ افسسیان 29:4؛ متی 9:5؛ یعقوب 9:5) وقتی از کاری که یک ایماندار از روی ایمان جدی و یقین انجام می دهد، انتقاد می کنی، در حقیقت در کار خدا دخالت می کنی: "تو کیستی که بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می کنی؟ استوار ماندن یا فرو افتادن او به آفایش مربوط است." (رومیان 4:14)

پولس همچنین اضافه می کند که ما نباید ایمانداران دیگری را که از نظر اعتقادی با ما فرق می کنند تحقیر کنیم یا مورد قضاوت قرار دهیم: "شما به هیچ وجه حق ندارید از برادر خود ایراد بگیرید و یا با نظر تحقیر به او نگاه کنید. به یاد داشته باشید که هر یک از ما باید به تنهایی در مقابل تخت داورى خدا بایستیم تا او ما را داورى کند." (رومیان 10:14) هر گاه ایماندار دیگر را داورى می کنم، چهار چیز یکجا اتفاق می افتند: رابطه ام با خدا قطع می شود، غرور و ناامنی خود را به نمایش می گذارم، خود را در معرض داورى خدا قرار می دهم و به مشارکت کلیسا ضربه می زنم. روح ایراد گیری عیبی است که باید بهای زیادی بپردازد.

کتاب مقدس شیطان را "مدعی برادران ما" (مکاشفه 10:12) می نامد. این کار شیطان است که مقصر بداند، شکایت کند، و از اعضای خانواده خدا ایراد بگیرد. هر وقت که ما هم این کار را می کنیم، در انجام دادن کار شیطان گول خورده ایم. به یاد داشته باشید که مسیحیان دیگر، هر قدر هم که شما با آنها مخالف باشید، دشمن واقعی نیستند. هر وقتی که برای مقایسه یا ایرادگیری از دیگر ایمانداران سپری می کنیم، وقتی است که باید در بنای اتحاد و یگانگی مشارکتمان، صرف شود. کتاب مقدس می فرماید: "پس هدف شما این باشد که با سایر ایمانداران در صلح و صفا بسر ببرید تا باعث تقویت ایمانشان گردید." (رومیان 19:14)

از شنیدن غیبت، دوری کن. غیبت یعنی انتقال اطلاعاتی که شما نه قسمتی از مشکل هستید و نه قسمتی از راه حل. شما خوب می دانید که غیبت کردن کار اشتباهی است، اما اگر می خواهید از کلیسایان محافظت کنید، نباید به آن گوش دهید. شنیدن غیبت مثل قبول مال دزدی شده است و شما را به اندازه خود جرم، مقصر می سازد.

وقتی کسی شروع به غیبت نزد شما می کند، این شجاعت را داشته باشید که به او بگویید: "لطفا" دست نگهدار. من احتیاجی به دانستن این مسئله ندارم. آیا با آن شخص مستقیماً صحبت کرده ای؟" کسانی که نزد شما غیبت می کنند، از شما نیز غیبت خواهند کرد. آنها افراد مورد اطمینان نیستند. اگر به غیبت گوش فرا دهید، خدا می فرماید که شما شخص بدکار و بداندیش هستید (امثال 17:4؛ 28:16؛ 20:26؛ 9:25؛ 19:20) "آدم بدکار از همنشینی با آدمهای بد لذت می برد." (امثال 17:4) همین اشخاصند که بین شما تفرقه و جدایی ایجاد می کنند. آنان فقط بدنبال هوسهای خود هستند و روح خدا در وجود ایشان ساکن نیست." (یهودا 19)

واقعا غم انگیز است که بزرگترین زخمها در گله خدا، از گوسفندان دیگر بوجود می آید و نه از گرگها. پولس رسول در مورد "مسیحیان آدمخوار"-ی که "یکدیگر را می گزند و می درند" و مشارکت را نابود می سازند، هشدار داد (غلاطیان 5:15). کتاب مقدس می گوید از چنین اشخاص بدکار و بداندیش دوری گزینید. "آدم سخن چین رازها را فاش می کند، پس با چنین شخصی معاشرت نکن." (امثال 19:20) سریع ترین راه پایان دادن به یک کشمکش کلیسایی یا گروه کوچک، برخورد محبتانه با آنهاست که غیبت می کنند و پافشاری در اینکه باید از این کار بازایستند، می باشد. سلیمان به این مسئله چنین اشاره می کند: "هیزم که نباشد آتش خاموش می شود، سخن چین که نباشد نزاع فرو می نشیند." (امثال 20:26)

به روش خدا در حل اختلافات، عمل کن. به علاوه قواعدی که در فصل قبلی به آن اشاره کردیم، عیسی مسیح روند سه قدمی ساده ای را به کلیسا توصیه کرد: "اگر برادری به تو بدی کند، برو و خصوصی با او گفتگو کن و او را متوجه خطایش بساز. اگر سخن تو را گوش گرفت و به تقصیرش اعتراف کرد، برادری را باز یافته ای. ولی اگر قبول نکرد، این بار با دو یا سه نفر دیگر پیش او برو تا این اشخاص شاهد سخنان تو باشند. ولی اگر باز هم به گفته های شما گوش نداد، آنگاه موضوع را با کلیسا در میان بگذار." (متی 18:15-17 الف)

در زمان دعوا و کشمکش، این امر وسوسه انگیز است که همیشه به شخص سومی این مسئله را بگوئید، بدون آنکه با شجاعت حقیقت را آمیخته به محبت به آن شخصی که از او ناراحت هستید، بگویید. و این کار مسئله را بدتر می کند. بجای این کار شما باید مستقیماً با کسی که برخورد داشته اید، روبرو شوید. همیشه، اولین قدم، رو در رویی خصوصی است، و این کار را هر چه زودتر باید انجام دهید. اگر نتوانستید بین خودتان این مسئله را حل کنید، قدم بعدی، بردن یک یا دو شاهد برای تأیید مشکل و آشتی دادن رابطه می باشد. اگر شخص مقابل لجوجانه سرسختی می کند، چه باید بکنید؟ عیسی مسیح می گوید با کلیسا در میان بگذار. اگر آن شخص هنوز بعد از این همه حاضر به شنیدن نیست، می باید با او همچون یک شخص بی ایمان رفتار کرد (متی 18:17؛ اول قرننیا 5:5).

از شبان و رهبران اتان حمایت کنید. رهبران کامل وجود ندارند، اما خدا به رهبران مسئولیت و اقتدار می بخشد تا اتحاد و یگانگی کلیسا را حفظ کنند. و آنها این کار سخت را در طول کشمکشهای بین افراد بدون هیچگونه قدردانی انجام می دهند. شبانان، اغلب وظیفه ناخوشایند خدمت به عنوان واسطه بین اعضای صدمه دیده، دعوا کرده یا نابالغ را دارند. آنها همچنین وظیفه غیر ممکن سعی کردن در خوشنود کردن همه را دارند، که حتی خود عیسی مسیح هم نمی توانست انجام دهد!

کتاب مقدس در مورد اینکه با افرادی که ما را خدمت می کنند، چگونه باید رفتار کنیم، به وضوح صحبت کرده: "از رهبران روحانی خود اطاعت کنید، و هر آنچه می گویند با کمال میل انجام دهید، زیرا کار ایشان، مراقبت از جانهای شماست و از این لحاظ در برابر خدا پاسخگو می باشند. پس، به گونه ای رفتار کنید که ایشان از خدمت خود لذت ببرند، نه اینکه با درد و رنج آن را انجام دهند، زیرا در اینصورت شما نیز رنج خواهید برد." (عبرانیان 13:17)

شبانان باید روزی در برابر خدا بایستند و باید به او در مورد اینکه چگونه از شما مواظبت کرده اند، جواب دهند. "زیرا ایشان بر جانهای شما دیده بانی می کنند و باید حساب بدهند." (عبرانیان 13:17) اما فراموش نکنید که شما نیز جوابگو هستید. شما می باید به خدا جواب بدهید که به چه نحو از رهبران اتان پیروی کردید.

کتاب مقدس به شبانان راهنمایی های مشخصی داده که چطور با افرادی که در مشارکت تفرقه انداز هستند، رفتار کنند. آنها باید از بحث و مشاجره دوری گزینند، و با آرامی در حالیکه برای تغییر آنانیکه مخالفند دعا می کنند، به آنها تعلیم دهند، و به آنانیکه اهل بحث و جدل هستند اخطار کنند، برای هماهنگی و اتحاد التماس کنند، آنانی را که نسبت به رهبری بی احترامی می کنند، توبیخ کنند، و افراد تفرقه انداز را پس از آنکه دو اخطار قبلی را رد کرده اند، از کلیسا اخراج کنند (دوم تیموتاؤس 2:14، 23-26؛ فیلیپیان 2:4؛ تیطس 2:15-3:2 و 10-11)

ما با احترام گذاشتن به آنانیکه با رهبری، ما را خدمت می کنند، مشارکت را محافظت می کنیم. شبانان و مشایخ احتیاج به دعاها، تشویق ها، قدردانی و محبت ما دارند. به ما دستور داده شده: "برادران عزیز، خواهش می کنم به کشیشان و خادمینی که در کلیسایان زحمت می کشند و شما را راهنمایی می نمایند، احترام بگذارید. بسبب زحماتی که برای شما می کشند، ایشان را با تمام وجود احترام و محبت نمایید." (اول تسالونیکیان 5:12 و 13 الف)

من شما را به چالش دعوت می کنم که مسئولیت محافظت و ترویج، اتحاد و یگانگی کلیسایان را بپذیرید. تمام نیروی خود را برای آن بکار ببرید و آنگاه خدا خشنود خواهد شد. مسلمان این کار همیشه راحت نخواهد بود. گاهی اوقات می باید کاری را که برای بدن مسیح بهترین است انجام دهید و نه برای خودتان تا اهمیت دادن به دیگران را نشان دهید. یکی از علت هایی که خدا ما را در خانواده کلیسایی قرار می دهد این است که از خودگذشتگی را یاد بگیریم. در جامعه یاد

می گیریم به جای گفتن "من" بگوییم "ما" و "مال ما" به جای "مال من". خدا می فرماید: "نباید فقط به فکر خودتان باشید؛ به فکر دیگران هم باشید و نفع دیگران را نیز در نظر بگیرید." (اول قرنتیان 24:10)

خدا کلیساهایی را که متحد هستند برکت می دهد. هر عضوی در کلیسای سدلبک (Saddleback Church)، پیمانی را امضاء می کند که شامل وعده ای است که از اتحاد مشارکت ما محافظت کند. در نتیجه این کار، کلیسا هرگز اختلافی نداشته که مشارکت را به جدایی بکشاند. و به علت اینکه این کلیسا، مشارکتی با محبت و متحد است، مردم زیادی می خواهند قسمتی از آن باشند! در هفت سال گذشته، کلیسا 9100 نفر ایماندار جدید را تعمید داده. وقتی خدا گروهی از اطفال ایماندار دارد که می خواهند زاییده شوند، به دنبال کلیسایی می گردد که گرم ترین دستگاه پرورش طفل می باشد. برای اینکه خانواده کلیسایی تان را گرم تر و با محبت تر سازید، چه نقشی دارید؟ در جامعه شما مردم زیادی هستند که بدنبال محبت و مکانی هستند که به آن تعلق داشته باشند. حقیقت این است که هر کس احتیاج دارد و می خواهد که مورد محبت واقع شود، و وقتی مردم کلیسایی را می یابند که اعضای آن خالصانه محبت می کنند و از یکدیگر مواظبت می کنند، تنها راه دور کردن آنها، قفل کردن درها خواهد بود.

نکته مورد توجه: مسئولیت من حفاظت از اتحاد کلیسایم می باشد.

آیه حفظی: "پس بیایید آنچه را که موجب برقراری صلح و صفا و بنای یکدیگر می شود، دنبال کنیم." (رومیان 14:19)
سوآلی که باید از خود بکنید: در حال حاضر، شخصا "چه کاری می کنم تا اتحاد و یگانگی را در خانواده کلیسایی ام حفظ کنم."